

بررسی و نقد انقلابی‌گری در اندیشه و رفتار مهندس مهدی بازرگان

علی اکبر عالمیان^۱

چکیده

مسئله انقلابی‌گری از مسائل پرمناقشه در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است که برخی از روشنفکران مانند مهندس مهدی بازرگان با دید انتقادی به آن نگریسته‌اند. این پژوهش که به شیوه تحلیلی و توصیفی نگاشته شده درصدد پاسخ به این پرسش است که نگاه مهندس بازرگان به مقوله انقلاب و مسئله انقلابی‌گری چگونه بوده و چه نقدهایی بر آن وارد است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نگاه بازرگان به مبارزات، نگاهی انقلابی نبود. او انقلاب اسلامی را نهایتاً یک اصلاح و رفرم می‌پنداشت که دایره آن تنها شامل ایران است و نه فراتر. وی در تبیین مفهوم انقلاب اسلامی، دو رویکرد ایجابی و سلبی اتخاذ می‌کند و این تناقض در سرتاسر دیدگاه‌های وی به چشم می‌خورد. رویه انقلابی‌گری بازرگان نیز بسیار متفاوت با دیگران بود به گونه‌ای که قائل به سلطنت شاه بود و نه حکومت او. در نقد دیدگاه‌ها و رفتار او نیز علاوه بر وجود تناقضات گفتاری و رفتاری، می‌توان به مواردی نظیر: عدم درک درست بازرگان از شرایط انقلابی، خصوصیات رفتاری او و غیره اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: مهندس مهدی بازرگان، انقلاب، انقلابی‌گری، رفرم.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Aliakbar_Alamian@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴ نوع مقاله: ترویجی

Review and criticism of revolutionism in the thought and behavior of engineer Mehdi Bazargan

Ali Akbar Alamian¹

Abstract

The issue of revolutionism is one of the most controversial issues in the history of Iran's Islamic Revolution, which some intellectuals such as Mehdi Bazargan have looked at with a critical appreciation. This research, which is written in an analytical and descriptive way, tries to answer the question, what was the view of Engineer Bazargan on the category of revolution and the issue of revolutionism, and what criticisms are there on it? The findings of the research show that the merchant's view of the struggles was not a revolutionary view. He considered the Islamic revolution to be a reform whose scope only includes Iran and not beyond. In explaining the concept of Islamic revolution, he takes two positive and negative approaches, and this contradiction is visible throughout his views. The merchant's revolutionary behavior was also very different from others, as he believed in the king's monarchy and not his rule. In the criticism of his views and behavior, in addition to the contradictions in speech and behavior, it is possible to point out such things as: the merchant's lack of correct understanding of the revolutionary conditions, his behavioral characteristics, etc.

Keywords: Engineer Mehdi Bazargan, revolution, revolutionism, reform.

1. Assistant Professor of Islamic History Department, Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization, Al-Mustafa Al-Alamiya Community, Qom, Iran. Aliakbar_Alamian@miu.ac.ir

مقدمه

مهندس بازرگان یک مبارز سیاسی قدیمی و از منتقدین حکومت شاهنشاهی بود که در این راه سالیان متمادی رنج زندان حکومت پهلوی را به جان خریده بود. او از سال ۱۳۳۲ تا پایان عمرش یعنی بیش از چهل سال از عمر خود را در راه مسائل سیاسی گذرانده بود و حتی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیت او ادامه داشت. او خود یکی از افرادی است که در پیروزی این انقلاب نقش داشته است و اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی نیز به شمار می‌آید. اما در ادامه حیات سیاسی خود به یکی از منتقدین جدی انقلاب تبدیل شد و نقدهای فراوانی را در مورد مسائلی نظیر مفهوم انقلاب، ماهیت انقلاب اسلامی، مسئله صدور انقلاب، مبارزات و انقلابی‌گری بیان کرد. در تحقیق حاضر به یکی از وجوه انتقادی او به انقلاب یعنی اصل انقلاب و مسئله انقلابی‌گری پرداخته و به شبهات موجود درباره این مسائل و پاسخ به آنها خواهیم پرداخت. پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که انقلاب و مسئله انقلابی‌گری در اندیشه و رفتار مهندس مهدی بازرگان چگونه تحلیل شده و چه نقدهای بر آن وارد است؟

۱- پیشینه پژوهش

اگرچه درباره اندیشه‌های سیاسی مهندس بازرگان آثار و مقالاتی نگاشته شده است، اما درباره موضوع مورد اشاره، مقاله و یا پژوهشی عرضه نشده است. در این باره می‌توان به آثاری نظیر: خط سازش اثر مجتبی سلطانی، دولت موقت از خیرالله اسماعیلی، زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان از سعید برزین، شورای انقلاب و دولت موقت (سیمای دولت موقت از ولادت تا رحلت) اثر مهدی بازرگان، اشاره کرد که می‌توان در آن مطالبی درباره موضوع تحقیق مشاهده کرد اما مقاله و یا کتابی که به صورت مستقل درباره انقلابی‌گری مهندس بازرگان و نقد آن نگاشته شده باشد، دیده نشده است. البته نگارنده در مقاله‌ای نیز با عنوان «ارزیابی انتقادی دیدگاه برخی روشنفکران درباره صدور انقلاب اسلامی» اندیشه مهندس مهدی بازرگان را درباره مسئله صدور انقلاب اسلامی بررسی کرده‌ام که شباهت‌هایی جزئی با مقاله حاضر دارد.

۲- معنا و ماهیت انقلاب

واژه انقلاب «Revolution» در ابتدا در علم ستاره‌شناسی به منظور توصیف گردش قانونمند و گریزناپذیر سیارات استفاده می‌شد و از این دیدگاه، انقلاب حرکت از یک نقطه آغاز بر مدار و

بازگشت به همان نقطه اولیه در پایان بوده است، و یا اینکه در مهندسی به معنای یک واحد از حرکت دورانی قلمداد می‌شده است. در واقع واژه انقلاب، در زبان لاتین از اصطلاحات علم اخترشناسی بود که به معنای چرخش دورانی افلاک و بازگشت ستارگان به جای اول به کار می‌رفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶).

در اینکه این واژه یک خاستگاه غربی دارد شکی در آن نیست، اما باید دانست که در طول زمان تحول مفهومی یافت. به علاوه باید دانست که مفهوم انقلاب، پیچیده و چندبعدی و بسیار دشوار است؛ به گونه‌ای که اغلب تعریف‌های آن در متون مختلف اندیشمندان اجتماعی و سیاسی متفاوت و متمایز است. در واقع درباره مفهوم انقلاب مجموعه‌ای از اظهارنظرهای آشفته، پیچیده و نامنظمی وجود دارد که هر کدام سعی در عمومیت‌دادن به نظریه انقلاب داشته‌اند. «آرتور باوئر» انقلاب‌ها را عبارت از تلاش‌های موفق یا ناموفقی می‌داند که به منظور ایجاد تغییراتی در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌گیرد» (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۷).

در نگاهی دیگر، انقلاب به معنای «دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌ها، نهادهای سیاسی اجتماعی و فعالیت‌های حکومتی» در خودداری خصمانه و وسیع از هر نوع همکاری شهروندان با حکومت، منجر به تسلیم آن، تعریف شده است (مردیها، ۱۳۸۵: ۴۱). شهید مرتضی مطهری انقلاب را نوعی عصیان و طغیان علیه نظم موجود و وضع حاکم به منظور برقراری نظم و وضعی دیگر و آرزو و طلب وضعی دیگر می‌داند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳۹ و ۱۹۶). در نگاهی عام‌تر «انقلاب تحوّل است که به وسیله نیروهای خارج از قدرت سیاسی همراه با خشونت پدید می‌آید و دگرگونی‌های گسترده‌ای در ساحت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری جامعه به دنبال خواهد آورد. البته درجه تغییر و شدت تغییرات ممکن است متفاوت باشد یا اینکه تحول در درازمدت صورت گیرد و بعدها ظاهر شود» (بشیریه، حسین، ۱۳۷۴: ۱۰). شاید بتوان در یک نگاه کلی، انقلاب را یک نوع دگرگونی دانست؛ اما نه هرگونه دگرگونی، بلکه دگرگونی‌ای که ویژگی خاصی داشته باشد. اولاً در انقلاب، یک دگرگونی اجتماعی منظور است. ثانیاً، اگر دگرگونی اجتماعی تدریجی و آرام در طول چند قرن اتفاق بیفتد، به آن انقلاب نمی‌گویند. انقلاب، «دگرگونی همراه با سرعت» است. مفهوم انقلاب، آن دگرگونی‌هایی است که کمابیش این لوازم را دارد؛ سرعت، ریسک کردن، و ریشه‌ای بودن.

۳- معرفی اجمالی مهندس مهدی بازرگان

مهندس مهدی بازرگان در سال ۱۲۸۶ ش در تهران متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برخلاف بسیاری از هم‌سن‌وسالان خود بدون ورود به مکتب‌خانه، پای در مدارس جدید گذاشت (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱/۵۵). بازرگان در طول دوران تحصیل جزء دانش‌آموزان فعال و درس‌خوان بود به گونه‌ای که پس از اتمام دوران دبیرستان به‌عنوان یکی از مشمولان اعزام به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در آمد (بازرگان، بی تا (الف): ۱۶۹). وی پس از بازگشت به ایران و پس از چندی، ریاست هیئت‌مدیره موقت شرکت ملی نفت و مأموریت خلع‌ید از شرکت سابق نفت را برعهده گرفت. وی جزء حلقه اصلی مبارزه با رژیم پهلوی به شمار آمده و در سال‌های ۱۳۳۲ الی ۱۳۵۷ بارها به زندان محکوم شده بود. مهندس بازرگان در روز یکشنبه ۱۵ بهمن سال ۱۳۵۷ طی حکمی از سوی امام خمینی به‌عنوان نخست‌وزیر دولت انقلاب تعیین شد. البته عمر دولت وی مستعجل بود و دولت موقت در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۸ استعفاء داد. بازرگان در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ نیز شرکت کرد و با کسب ۶۷ درصد آراء به‌عنوان منتخب سوم مردم تهران برگزیده شد (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۳۳۸/۲).

مهندس بازرگان پس از اتمام دوره نمایندگی مجلس به کارهای شخصی و فرهنگی روی آورد و تا پایان عمرش یعنی تا سال ۱۳۷۳ مسئولیت و یا سمتی را برعهده نداشت و به فعالیت سیاسی و نوشتن مقاله‌ها و ایراد سخنرانی ادامه داد و در این سال‌ها از جمله مخالفان و منتقدان سیاسی به شمار می‌آمد. وی در بهمن‌ماه ۱۳۷۳، در ۸۶ سالگی، در فرودگاه زوریخ به علت سکت قلبی درگذشت. جسد او را به ایران بازگرداندند و بنا به وصیت خود او در قم به خاک سپردند.

ب- بررسی اندیشه و عمل بازرگان

مسئله انقلابی‌گری در مکتب بازرگان یکی از دیدگاه‌های چالشی او به شمار می‌آید. اینکه آیا بازرگان به انقلابی‌گری و انقلابی عمل کردن اعتقاد داشت یا خیر را باید در دو مقوله جداگانه بررسی کرده و هر یک را در ظرف خودش مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. مسئله نخست مبارزات انقلابی بازرگان و مسئله دوم نیز نوع نگاه او به مقوله انقلاب و چگونگی انقلابی عمل کردن است.

۱- مبارزات بازرگان

در این نکته که بازرگان یک فرد مبارز بوده و در راه پیروزی انقلاب تلاش فراوانی کرده است شکی نیست. او بر اصل مبارزه تأکید فراوانی داشت و حتی در کتاب «اسلام مکتب مبارز و مولد» خود بر این اصل پای می‌فشارد که اسلام دین مبارزه است و به تبع آن مسلمین نیز باید مبارز باشند. او موضوع مشترک روز را «مبارزه» می‌دانست که اکثریت ایرانیان و مسلمین در آن اشتراک دارند (بازرگان، بی تا (ب):۳۰۰). به اعتقاد بازرگان، ملت نامبارز، ملتی تکرو، کجرو یا مقلد می‌باشد (بازرگان، بی تا (ب):۳۰۰). او اسلام را دین مبارزه و جهاد می‌داند از ابتدای نشو و نما سروکارش با جنگ و جدال بوده است (بازرگان، بی تا (ب):۳۰۲). بازرگان لازمه وقوع هر انقلابی را وجود جنگ و خونریزی می‌داند (بازرگان، بی تا (ب):۳۰۲).

او زندانی شدن در رژیم شاه را یک سعادت برای خود می‌داند (لامعی، ۱۳۷۶: ۵۵) و هدف از این مبارزات را رحمانی و دفاع از ملت ایران می‌داند نه تلاش برای تحصیل قدرت و مکننت. (نجاتی، ۱۳۷۷: ۴۰۸/۱) بر اساس اسناد گوناگون به‌ویژه اسناد ساواک، تلاش‌های مهندس بازرگان در مبارزه با رژیم پهلوی، گسترده و فعالانه بوده است. براساس برخی از این اسناد، اقداماتی نظیر: محکومیت به مدت ده سال حبس مجرد از بدو بازداشت ۱۳۴۲/۱۱/۳ (آیت‌الله سید محمود طالقانی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۸/۲)، تأکید بر استعفای شاه به‌عنوان تنها راه باقیمانده برای خروج ایران از بحران (جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۲۶۶)، مذاکره با کارکنان اعتصابی صنعت نفت در هنگامه انقلاب (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹: ۴۰۷)، تبیین و تجلیل از فعالیت و اقدامات امام خمینی (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹: ۴۰۷)، از جمله شواهد تلاش‌های مبارزاتی وی به شمار می‌آید.

با این‌همه نوع مبارزات او سیاسی و آرام بود. برخی ادعا کرده‌اند که بازرگان معتقد بود در نهایت به سمت مبارزه مسلحانه روی خواهد آورد. به‌عنوان نمونه، حجت‌الاسلام حجتی کرمانی که در زندان شاه هم‌بند مهندس بازرگان بود، به گفته خود از شیوه آرام و دموکرات‌منشی بازرگان و نهضت آزادی در مبارزه با شاه انتقاد کرد، بازرگان در پاسخ به این انتقاد او گفته بود که: «بالاخره ما مجبور به رودرویی مسلحانه با نظام خواهیم شد، چون این نظام یک نظام فاشیستی متکی به خارجی است. اما الان این کار صلاح نیست و باید مقدمه‌ای برای این کار فراهم باشد و گرنه در نهایت رؤیایی مسلحانه بر ما تحمیل خواهد شد» (لامعی، ۱۳۷۶: ۵۲). محمد بسته‌نگار از

نزدیکان مهندس بازرگان نیز می‌گوید: «زمانی که با مهندس بازرگان در زندان بودم، ایشان در بحثی گفت مبارزات دیگر به شکل قانونی جوابگو نخواهد بود و ما باید مبارزه مسلحانه داشته باشیم» (گروه پژوهش‌های تاریخی انتشارات قلم، ۱۳۹۳: ۲۳۵).

اما به نظر می‌رسد که با توجه به روحیات بازرگان، این ادعا چندان به واقعیت نزدیک نبود. مهندس سبحانی معتقد است که بازرگان به این نتیجه رسیده بود که مبارزه با رژیم قهرماً به اعمال مسلحانه خواهد کشید. وقتی که به آن فاز برسد دیگر او و نهضت آزادی نمی‌توانند رهبر آن باشند. بازرگان معتقد بود که: «ما در فاز سیاسی رهبر این مبارزه هستیم، ولی باید فرزندی متولد شود که آن فاز را رهبری کند. وظیفه ما آن است که آن فرزند را به دنیا بیاوریم. برای این کار من خانام را می‌فروشم و می‌دهم» (لامعی، ۱۳۷۶: ۵۳). در اسناد ساواک نیز به این مسئله اشاره شده است که بازرگان از نظر مبارزه اعتقاد به مبارزه مسلحانه نداشته و معتقد به مبارزه اصولی و آگاه‌کردن و معتقد ساختن مردم به مبانی دینی و مذهبی و حقوق خویش و مبارزه با هر نوع استبداد و تجاوز حقوق مردم بود (جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۲۶۶). خود بازرگان نیز خود را یک انقلابی آرام می‌داند؛ یک انقلابی به تعبیر خودش مانند «ماشین نازک نارنجی که باید روی جاده‌های آسفالت و راه هموار حرکت کند و نه بولدوزروار بر روی صخره‌ها!» (لامعی، ۱۳۷۶: ۱۹۴). به تعبیر او: «من و دولت موقت در حکم «فورس ماژور» ی هستیم، ماشینی هستیم که روی زمین‌های ناهموار و سنگلاخ نمی‌تواند حرکت کند. ما باید در زمین‌های هموار و مساعد حرکت کنیم، و کار انقلابی شدید و انقلابی تند و امثال این چیزها از من بر نمی‌آید» (بازرگان، ۱۳۹۷: ۴۴۸). جان فوران نیز، بازرگان را از جانبداران مبارزه دموکراتیک مردمی علیه حکومت همراه با آگاهی و انگیزه‌های اسلامی می‌داند (فوران، ۱۳۷۷: ۵۴۷).

۲- انقلاب اسلامی از نگاه بازرگان

نگاه مهندس بازرگان به انقلاب اسلامی بیشتر، نگاهی انتقادی است. گرچه هر چه از عمر انقلاب می‌گذرد بر میزان انتقادات بازرگان نسبت به این مقوله افزوده می‌شود، اما باید در مورد دیدگاه‌های او منصفانه قضاوت کرد. بازرگان انقلاب را به معنا و مفهوم انتقام‌جویی دانسته (بازرگان، ۱۳۹۱ (الف): ۱۹۱) و از انقلاب اسلامی با عنوان «انقلاب انتقامی» یاد می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۵: ۴۲۴). او در حالی انقلاب ایران را نوعی عقده‌گشایی می‌داند که در ابتدای

انقلاب و در اولین پیام به ملت ایران بعد از قبول نخست‌وزیری در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۰، انقلاب را نه به آن معنای تنها و انحصاری خشم و غضب و توهین و برهم‌زدن، بلکه به معنای انقلاب کامل درونی و دگرگونی خواسته‌ها و روحیات و استعدادها معنا می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۱:ب): ۱۰۷). او انقلاب پیامبر را به دور از هرگونه کینه‌توزی و انتقام می‌داند و به این ترتیب طعنه‌ای هم به انقلاب اسلامی ایران می‌زند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۴۶).

بازرگان با تمسک به آیات ۱۹۰ الی ۱۹۴ سوره بقره این‌گونه نتیجه می‌گیرد که: «پنج بار امر به قتل و اخراج می‌شود؛ ولی ۱۳ بار نهی از تجاوز و تلافی و سفارش محدودیت مشروط به عمل آمده و تأکید مکرر به تقوا می‌گردد و صریحاً گفته می‌شود که اگر دشمن دست از تعرض برداشت و فتنه خاموش شد، خداوند بخشنده و مهربان است و دشمنی جز با آن عده که ستمگری را ادامه می‌دهند نداشته باشید. یعنی همین که امنیت برقرار و دین خدا حاکم بر محیط شد، جنگ را قطع کنید» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۴۶). او حتی آیه ۱۹۳ همین سوره یعنی: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» را به معنای تحدید و توقف جنگ می‌داند و نه به معنای دستور حمله و اقدام به قتال تا قلع و قمع کفار! (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۴۶). او همچنین می‌گوید: «همین عمل را رسول اکرم پس از فتح مکه انجام داده که نه تنها مشرکین و قاتلین مسلمان‌ها را بی‌قید و شرط آزاد کرد، بلکه بسیاری را در مقام و منصبشان باقی گذاشت» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

بازرگان گرچه انتقادات بیشتری را متوجه انقلاب اسلامی ایران می‌کند، اما در کنار آن به بیان مزایا و برتری‌های انقلاب نیز می‌پردازد. در یک نگاه کلی می‌توان برتری‌ها و کاستی‌های انقلاب از دیدگاه او را این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱- برتری‌ها و مزایای انقلاب

او در بیان برتری‌ها و مزایای انقلاب، موارد زیر را به‌عنوان نقاط قوت انقلاب بیان می‌کند:

۱-۱- او انقلاب اسلامی ایران را دارای شعاع جهانی و موجب تحولات بشری می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۳۹).

۱-۲- به باور بازرگان، انقلاب اسلامی ایران یکی از مظلوم‌ترین موجودات روی زمین به شمار می‌آید (بازرگان، ۱۳۸۹: ۶۴).

۱-۳- به اعتقاد او یکی دیگر از مزایا و برتری‌های انقلاب اسلامی، ترویج بیش‌ازپیش اسلام و رونق گرفتن دین در جامعه می‌باشد (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۱۶۳).

۱-۴- او انقلاب اسلامی را موجب زمینه‌سازی برای قیام جهانی امام زمان دانسته است (بازرگان، ۱۳۸۹: ۳۱۶).

۱-۵- او انقلاب اسلامی ایران را دارای دستاوردهای فراوان می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۴۵۹-۴۵۰).

۲- کاستی‌های انقلاب

جالب است که او در حالی از مزایا و دستاوردهای انقلاب سخن به میان آورده است که در جاهایی دیگر بسیاری از این مزایا را انکار می‌کند و یا اینکه برخی از آنان را به‌مثابه ضعف انقلاب می‌شمرد که همین نشانه تناقضات فراوان در دیدگاه‌های بازرگان به شمار آمده و نقدی جدی در مواضع او به حساب می‌آید. کاستی‌ها و انتقادات وارده بر انقلاب در نگاه او را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۲-۱- بازرگان ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران را دارای انحراف‌های گوناگونی می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۳۱۹-۳۲۸).

۲-۲- یکی از اتهاماتی که بازرگان متوجه انقلاب اسلامی و انقلابیون می‌کند، پیوند بین انقلاب و مارکسیسم است. او این مدعا را در جاهای گوناگون بیان کرده است (بازرگان، ۱۳۸۹: ۲۹۴ و ۲۹۶. بازرگان، ۱۳۹۵: ۴۲۴).

۲-۳- او انقلاب را متهم به اتخاذ برنامه‌های بلندپروازانه و غیرقابل دستیابی می‌کند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۴).

۲-۴- تغییر اجباری به‌جای تغییر درونی و خودجوشی را از دیگر کاستی‌های انقلاب برمی‌شمارد (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۲۰۷).

۲-۵- بازرگان همچنین، انقلاب را دارای دستاوردهای منفی می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۱۶۴).

تناقضات بازرگان در دفاع از انقلاب

اگر هم اشاره بازرگان در بیان نقاط ضعف و قوت را به‌مثابه تناقضات او در مسیر دفاع از انقلاب ندانیم و حتی از میزان انتقادات تند و در بسیاری از مواقع غیرقابل‌پذیرش او از انقلاب اغماض نماییم، با این حال نمی‌توانیم از تناقضات فراوان در نوع نگاه او نسبت به انقلاب چشم‌پوشیم.

به‌عنوان نمونه بازرگان در پاسخ به پرسشی دربارهٔ این انتقاد که: «چرا انقلاب به ثمر نرسیده و مملکت روی غلتک نیفتاده است؟» پاسخ می‌دهد که:

«مگر شما انتظار هلو- گلو را داشته‌اید، با انقلابی به این عظمت که ابعاد آن از انقلاب‌های دنیا و انبیاء وسیع‌تر است، نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود. ما طرفدار عمل تدریجی و تأمل و مخالف دستپاچگی و تسریع و تحریک بودیم؛ مع‌ذلک نباید ناراضی و ناامید باشیم. دلایل و موقفیت‌های زیاد وجود دارد که انقلاب ما، حتی بعد از پیروزی، محکم‌تر و مستقرتر و امیدوارکننده‌تر از انقلاب‌های سایر جاها نشان می‌دهد:

۱. ما در مدت کمتر از یک سال با حداقل درگیری و خون‌ریزی کلیه مراحل انتقال از حالت انقلاب به استقرار قانونی را طی کردیم (رفراندوم تغییر نظام، قانون اساسی و تصویب آن، انتخاب رئیس‌جمهوری، انتخابات و تشکیل مجلس، تعیین دولت قانونی).

۲. پایه گرفتن نظام جمهوری و جدی شناخته شدن آن از ناحیه دولت‌های دیگر.

۳. مهم‌تر از همه عوض شدن واقعی و عمیق ملت که نمونه‌های بارز و بی‌شائبه آن، آمادگی و استقبال از شهادت و محرومیت و سخاوت است.

۴. مقاومت و شجاعتی که ارتش و سپاهیان و نیروهای تدافعی در جنگ غیرمتعادل نشان داده، در زیر ضربات و صدمات جان‌فرسا، خودسازی به عمل آمد و مصداق «تَخْرُجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ» را دیدیم.

۵. دست و پایی که می‌زنیم و تلاشی که خودمان (خوب یا بد)، بدون آقابالاسر و حاکم و بیگانه، برای حل مصائب و مشکلاتمان می‌نماییم» (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۲۰۸-۲۰۹).

جالب است که بازرگان در حالی این سخن را می‌گوید که پیشتر از ثمرات نامطلوب انقلاب سخن گفته بود. وی این سخنان را در تاریخ هفتم اسفند ۱۳۵۹ و پس از انتخاب به‌عنوان نماینده مجلس ایراد کرده است. جالب‌تر اینکه در پاسخ به این پرسش که چرا از نمایندگی مجلس استعفا نمی‌دهید، این‌گونه توجیه می‌کند که: «ما وظیفه شرعی و ملی خود می‌دانیم، که علی‌رغم تلخی‌ها و سختی‌ها و ناروایی‌هایی که در حقمان شده و می‌شود، در صحنه حضور داشته باشیم و تا آنجایی که می‌توانیم، به اعتراض و اصلاح، اقدام نمائیم. ما قبول داریم که در هر انقلاب از این قبیل تلاطم و تخریب و تخصم‌ها هست و استعفا دادن ناشی از یأس، و یک نوع انتحار است. ما معتقد و متوکل به خدا و امیدوار به آینده می‌باشیم» (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۲۰۹).

۳- انقلابی عمل کردن در اندیشه و رفتار بازرگان

همان‌گونه که گفته شد بازرگان یک مبارز بود ولی در انقلابی عمل کردن شیوه‌ای متفاوت از شیوه مرسوم انقلابیون داشت. او خود را دارای شیوه آرام می‌دانست که بولدوزروار نمی‌تواند عمل کند (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۱۱۰). او البته خود را یک انقلابی می‌داند اما یک انقلابی آرام: «من هم خودم را انقلابی می‌دانم. اما آن چیزی را که آنها انقلاب می‌گویند و می‌خواهند شاید در نقطه‌هایی به یکجا برسیم با آنچه که من می‌خواهم، با هم «کنترادیکسون»^۱ دارد» (بازرگان، تهران، بی تا (ج): ۲۰۵).

این شیوه آرام او از مشی انقلابیون کاملاً جدا بود. انقلابیون به رهبری امام قائل به سقوط حکومت شاهنشاهی بودند اما بازرگان چنین اعتقادی نداشت. اما این به معنای عدم مخالفت او با آن رژیم و یا شخص محمدرضا شاه نبود چه اینکه همان‌گونه که پیشتر گفته شد، بازرگان سابقه مبارزاتی فراوانی داشت و با حکومت شاهنشاهی نیز مخالفت می‌کرد. بازرگان، حکومت ۳۷ ساله محمدرضا شاه را «سلطنت استبدادی ظالمانه و با انواع خیانت و خسارت و خطا» (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۷۹) می‌داند و وجود حکومت پهلوی را غیرقابل تحمل می‌دانست (بازرگان، تهران، بی تا (ج): ۷۸). او حتی معتقد بود که: «تا هنگامی که اعلیحضرت در این مملکت هست، ایران روی آزادی را نخواهد دید» (بازرگان، بی تا (ج): ۷۸).

بازرگان در مخالفت با شاه تا آنجایی پیش می‌رود که نهضت آزادی را تنها مخالف جدی شاه می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۸). اینها همه به معنای مخالفت بازرگان با اصل سلطنت نبود. او اصل سلطنت را قبول داشت و قائل به باقی ماندن آن بود. چیزی که او قبول نداشت نوع و روش حکومت‌داری شاه یا به تعبیر خودش استبداد شاه بود و بس و آن را به تبع مصدق قبول نداشت. (بازرگان، تهران، بی تا (ج): ۱۲۹-۱۳۰) و دقیقاً بر همین اساس معتقد بود که اگر شاه طبق قانون اساسی عمل کند مخالفتی با او ندارد (بازرگان، تهران، بی تا (ج): ۱۲۵).

«استمپل» در تبیین دیدار بازرگان با امام در پاریس به این نکته اشاره می‌کند که او و همراهانش برنامه‌ای تدوین کرده بودند تا امام را ترغیب کنند که به آنها اجازه همکاری با شاه داده و برای پیشبرد هدف‌های انقلاب در چارچوب سلطنت قانونی، دولتی تشکیل دهند (استمپل،

۱. به معنی ضدگویی، تناقض، تکذیب، ناسازگاری.

۱۳۷۷: ۱۸۴). خود امام در تبیین این دیدار، ضمن تأیید مذاکرات با آقایان بازرگان و سنجابی، خاطرنشان می‌کند که: «من مسائل ایران را و مصالح ملت را به آنان گفته‌ام و آنان هم مخالفی ابراز نداشتند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴/۴۳۰).

درعین حال بعدها ابعاد تازه‌ای از این دیدار را بیان کرده رویه انقلابی‌گری بازرگان را یکی دیگر از موارد نقدبرانگیز وی می‌داند که معتقد به ادامه حکومت پهلوی بود و قائل به سلطنت شاه بود و نه حکومت او: «همان وقت هم می‌خواستند که شاه را نگه دارند، به اسم اینکه او سلطنت کند نه حکومت، با این اسم می‌خواستند حفظش کنند و از همان وقت هم می‌خواستند که بختیار را بیاورند و با ما آشتی بدهند، ما کانه نزاعمان با بختیار بود از این جریان. از اول یک جریانی منسجم شده و برنامه‌ریزی شده در کار بود و ما درست توجه به آن نداشتیم. کم کم هی مطالب معلوم شد، کم کم خودشان را لو دادند و رسید به اینجا که من هر چه جدیت کردم که نرسد به اینجا، رسید. نه از باب اینکه به اینها اعتمادی داشتیم، از جهات دیگری که به خود آقایان گفتم» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵/۲۴).

بازرگان بر همین اساس هم معتقد بود که نهضت آزادی آخرین سنگر دفاع از مشروطه و قانون اساسی خواهد بود (نجاتی، ۱۳۷۷: ۵۶۱/۱). در مورد عدم اعتقاد بازرگان به سقوط سلطنت، آیت‌الله مهدوی کنی معتقد است که: «نهضتی‌ها... اساساً اعتقاد نداشتند که ما حکومت سلطنتی را از بین ببریم، اینها با آن رژیم مخالف بودند، منتها می‌گفتند ما با استبداد رژیم مخالفیم نه با ساختار و شکل نظام..... در تمام مبارزاتشان هم به این نکته، تکیه می‌کردند که ما طرفدار مشروطه سلطنتی هستیم و قانون اساسی مشروطه را قبول داریم» (خواجeh سروی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). بر همین اساس او تأکید می‌کند که: «وقتی شعارهای امام علیه شاه شروع شد، نهضتی‌ها خوشحال نبودند، نه اینکه شاه را دوست داشتند..... بلکه می‌گفتند مصلحت کشور در این است که سلطنت باقی بماند، منتها مشروطه باشد و به قول معروف «شاه سلطنت کند نه حکومت» (خواجeh سروی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). به تعبیر آیت‌الله مهدوی کنی، مهندس بازرگان قهر انقلابی را نمی‌پذیرفت (خواجeh سروی، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

نکته دیگر اینکه بازرگان برای محمدرضا شاه نقش یک حاکم مستبد را متصور می‌شد و نه یک حاکم اجیر و گوش‌به‌فرمان غرب: «به‌هیچ‌وجه محمدرضا شاه یک نوکر زنجیری مزدور و عروسک خیمه‌شب‌بازی نبود. خیلی فعال و حیل‌گر و مدیر، در داخل و خارج، و مؤثر روی

رؤسای جمهور و سناتورها بود. متقابلاً استبداد و استیلا همدیگر را پشتیبانی و اداره می‌کردند» (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۷۵).

۳-۱- انقلاب به معنای حرکت آهسته و تدریجی

می‌توان گفت که بازرگان در انقلابی‌گری اعتقادی به حرکت سلبی به معنای برخورد مستقیم با رژیم سلطنت نداشت بلکه معتقد به حرکت آهسته، گام‌به‌گام و تدریجی بود؛ حرکتی که معلوم نبود که اگر انجام می‌شد و رهبران انقلاب هم به آن تن می‌دادند، آیا سلطنت را سرنگون می‌ساخت؟! خود بازرگان در این باره می‌گوید: «بیشتر اینجایی‌ها (از جمله خود آقای شریعتمداری و دوستان ما) همه طرفدار سنگر به سنگر بودیم و طرفدار اینکه شاه به این زودی نرود و یواش‌یواش زیر پایش را سست کنیم و در انتخابات هم شرکت کنیم؛ به اصطلاح، قدرت و اختیارات به تدریج دست ملت بیاید. اصلاً باورم نمی‌شد؛ واژگونی شاه واقعاً از چیزهای استثنایی تاریخ بود» (بازرگان، بی تا (ج): ۱۹۹). وی همچنین در جایی دیگر، شیوه مبارزاتی خود را این‌گونه تبیین می‌کند: «همه می‌دانند من معتقد به سیاست قدم‌به‌قدم بودم، معتقد بودم که برای رهایی از دست شاه فقط یک راه بود و آن اینکه آمریکا را مجبور کنیم که کم‌کم شاه را ول کند و کاری کنیم که او هرچه بیشتر ضعیف شود و ملت روزبه‌روز قوی‌تر شود» (بازرگان، ۱۳۹۷: ۱۷).

او در تبیین لزوم حرکت تدریجی می‌گوید (بازرگان، ۱۳۹۱(ب): ۷۵). البته همین جمله بازرگان نیز خود نشان‌دهنده تناقض در گفتار و مواضع اوست چرا که قبلاً معتقد به برقرار بودن سلطنت مشروطه بود و در اینجا از استقرار نظام جمهوری اسلامی سخن می‌گوید!

عزت‌الله سجایی حرکت بازرگان را سنگر به سنگر پیش رفتن و حرکت به سمت تعقل و تأمل می‌داند (سجایی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). او در تبیین واژه سنگر به سنگر و جایگاه آن در اندیشه بازرگان، معتقد است که او اعتقادی به واژگونی حکومت نداشته است و معتقد است که باید لغت واژگونی را برداشت چون واژگونی به معنای اتفاق لحظه‌ای و فوری است. لذا باید مرحله‌ای پیش رفت. ابتدا شاه برود. دوم اینکه به‌عنوان جانشین شاه فعلاً یک شورای سلطنتی تشکیل شود و دولت ملی شروع به کار کند و سپس با یک فرماندوم، سلطنت ملغی گردد (سجایی، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

حبيب‌الله پيمان در نقد سياست گام‌به‌گام دولت موقت می‌گويد: «... فضای انقلاب به دولت موقت اجازه نمی‌داد که با سياست گام‌به‌گام پیش رود. در چنین شرایطی نمی‌توان گفت که صبر کنید شاید این سياست درست باشد..... این موعظه‌ها نشانه ندیدن واقعیت است، دليل بیگانگی با واقعیت همین است که با نصیحت می‌خواستند مسئله را حل کنند... نمی‌خواهم آقایان را به دليل انقلابی نبودن سرزنش کنم. اگر می‌دانستند که برای حکومت کردن در آن شرایط آمادگی ندارند، نباید می‌پذیرفتند» (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۳۰).

البته او معتقد بود که اگر هم حرکت تدریجی صورت نگیرد و به اصطلاح انقلابیون در منزل می‌نشستند و دست روی دست می‌گذاشتند، شاه خودبه‌خود در معرض سقوط بود و قطعاً سقوط می‌کرد (بزرگان، بی تا (ج): ۱۹۹). این ادعای گزاف در حالی صورت می‌پذیرد که بزرگان پاسخی به این پرسش نمی‌دهد که اگر قرار بود که پادشاهی به خاطر وضع اقتصادی مملکت سقوط کند، قطعاً در دوره قاجاریه وضعیت بغرنج‌تری حاکم بود، پس چرا در آن زمان نظام سلطنتی سقوط نکرد؟ آیا غیر از این است که این ادعای بزرگان در صدد کم‌رنگ کردن حرکت انقلابی و نقش امام خمینی در سقوط نظام شاهنشاهی می‌باشد؟! امام خمینی در نقد سياست گام‌به‌گام بزرگان، به نکته مهمی اشاره می‌کند. ایشان می‌گويد: «من به بعضی از این آقایان که آمده بودند و می‌گفتند که «سياست قدم‌به‌قدم»، خوب حالا یک قدم برداریم و بعدش صبر کنیم یک مدتی بگذرد بعد قدم دوم را برداریم، گفتم آقا اگر شما این قدم را سست کنید، [در] قدم دوم قدم‌های شما را می‌شکنند! این‌طور نیست که یک قدر صبر کنند که شما حالا قدم اول را برداشتید حالا ایشان سلطنت کند نه حکومت!... بعد از این همه جنایات حالا دیگر بیايند آقا سلطنت کنند نه حکومت! این اگر پایش مستقر بشود، دنبال این هستند که این نهضت را بخوابانند با هر طور که می‌توانند.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۵۸-۵۹/۵)

۳-۲- معنا و مفهوم انقلابی‌گری از نگاه بزرگان

نگاه بزرگان به مقوله انقلابی‌گری، نگاهی متفاوت با دیگران بود. با نگاهی به دیدگاه‌های او در مورد مقوله فوق می‌توان مفهوم انقلابی‌گری از دیدگاه بزرگان را به چهار مفهوم تقسیم کرد:

۱- بزرگان، انقلابی بودن و انقلابی عمل کردن را مترادف خشونت‌ورزی می‌داند (بزرگان،

۲- او همچنین انقلابی‌گری را مترادف با انحصارگرایی مکتبی می‌داند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۵۱).
۳- بازرگان، انقلابی‌گری را به‌مثابه بی‌نظمی و هرج‌ومرج در امور می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۲۳-۲۴).

۴- بازرگان همچنین انقلابی‌گری را به معنای عدم تعقل و تأمل و شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری دانسته است. (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۳۰۶)

دقیقاً به سبب وجود همین مفاهیم است که او در تبیین شاخصه‌های انقلابی بودن به مواردی اشاره می‌کند که نوعی سرکشی و انتقام‌جویی را تداعی می‌نماید. از نگاه او شاخصه‌های انقلابی بودن یا انقلابی عمل کردن عبارت‌اند از: خواستن و رسیدن با سرعت و شدت یا ضربتی و قاطع عمل کردن، خصلت خصمانه خشمگین با مشته‌های گره‌کرده، بریدگی کلی و انهدام گذشته با محو و واژگونی هر رویه و سابقه و سرمایه، همراه با تصفیه‌حساب‌ها و انتقام‌جویی، حالت طبقاتی و انحصاری ضد ملی و روشنفکری و اداری و ضدغربی داشتن، با تمایل به روحانیت و اتکاء بر توده مردم و دفاع از مستضعفین، خودسری و تمرد طبقات جوان و مأمورین انقلابی از اوامر دولت و مقامات و تا حدودی ابتکار عمل و گرداندگی انقلاب (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۳۲-۱۳۳).

ج- ارزیابی و نقد:

اکنون که دیدگاه بازرگان درباره انقلاب و عمل او در عرصه انقلابی‌گری بیان گردید، به ارزیابی و نقد آن می‌پردازیم.

۱- نگاه یک‌سویه بازرگان به مسئله انقلابی‌گری و مفهوم انقلاب

برخلاف آنچه بازرگان می‌گوید، نه تنها در سیره ائمه، بلکه در سیره و رویه انبیاء الهی نیز انقلابی عمل کردن وجود داشته است. اما تفاوت در نوع نگاه یک‌جانبه و یک‌سویه بازرگان- به‌مانند سایر دیدگاه‌هایش- با مسئله انقلابی‌گری و مفهوم انقلاب و انقلابی عمل کردن است. او انقلاب و حرکت انقلابی را تنها در برخورد آرام یا به‌زعم خود نصیحت‌گونه می‌داند، این در حالی است که این رویه، تنها یک روی سکه مفهوم انقلاب است. روی دیگر آن نیز برخورد قهری و سخت است. چون او فقط یک روی سکه را دیده است، بنابراین فقط انقلابی عمل کردن را در رویه آرام و بدون قهری می‌داند و هرگونه اقدام قهری را با اوصافی نظیر: عدم تعقل و

تأمل، انحصارگرایی مکتبی و خشونت‌طلبی متصف می‌گرداند. وقتی به آیات قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که هر دو معنای انقلابی‌گری وجود دارد. خداوند وقتی می‌خواهد برخی از خصوصیت‌های انقلابیون را برشمرد، هم به بحث حرکت آرام و تدریجی و هم به حرکت سخت و قهری اشاره می‌کند. قرآن هم به صبر و استقامت فراوان^۱ و هم به فداکاری و ایثار^۲ و ایمان^۳ و نفوذناپذیری^۴ و ولایت‌پذیری اشاره می‌کند.^۵

از آن سو نیز بر عمل سخت و قهری تأکید می‌کند و بر جهاد و قتال در راه خدا تأکید کرده^۶ و یکی از نشانه‌های انقلابیون را شدت عمل در برابر دشمنان و مهربانی و شفقت نسبت به خودی‌ها می‌داند.^۷ همچنین در آیات الهی وقتی به اقدامات پیامبران اشاره می‌کند، هم به برخورد آرام آنان اشاره می‌شود و هم به حرکت قهری و سخت آنان. به‌عنوان نمونه باید به اقدامات انقلابی حضرت ابراهیم اشاره کرد که در حرکت انقلابی و خیزش پرشور بر ضد منکر بزرگ عصر یعنی نمرود سه روش را برگزید:

روش اول روش احتجاجی این پیامبر است. پیامبران الهی با اتخاذ تدابیر خردمندانه در احتجاج با دیگران، نه تنها بر حقانیت آموزه‌های خود صحنه می‌گذاشتند بلکه به‌جای برخوردی صرفاً سلبی و تحکم‌آمیز با مخالفان، با احتجاج و استدلال با آنان برخورد می‌کردند. خداوند متعال در آیه ۲۵۸ سوره بقره این حرکت انقلابی و اعتراضی حضرت ابراهیم را بیان می‌کند. نمرود در مقابل حجت آشکار ابراهیم نتوانست جوابی بیاورد و با سفسطه و مغالطه در برابر این پیامبر الهی کوشید از واقعیت‌ها فرار کند اما درنهایت در این مناظره مغلوب شد.

روش دوم، مبارزات عملی حضرت ابراهیم بود که با کمال قاطعیت به بت‌پرستان و نمرودیان اخطار کرد که: به خدا سوگند در غیاب شما نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشم.^۸ او در

۱. «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت، ۳۰)

۲. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه، ۲۰)

۳. «الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا» (حجرات، ۱۵)

۴. «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف، ۴)

۵. «وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر، ۷)

۶. «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نساء، ۷۶)

۷. «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹)

۸. «وَتِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ لِيُكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء، ۵۷)

روزی که مردم شهر را خلوت کرده بودند و نمرود و اطرافیانش نیز از شهر بیرون رفتند، به سمت بتخانه‌ها رفت و اقدام انقلابی خود را عملی ساخت.^۱ روش سوم این پیامبر الهی نیز هجرت بود.^۲ سایر پیامبران الهی نیز همین رویه را داشتند.^۳

روش پیامبر اسلام نیز همین‌گونه بود. ابتدای حرکت حضرت از طریق دعوت بود و نه قهر و غلبه. پیامبر پس از حدود سه سال دعوت مخفی، این بار از سوی خداوند مأموریت یافت تا دعوت خود را آشکار سازد.^۴ پیامبر در کنار حرکت آرام و دعوت به دین و تبلیغ آن، در جای خود نیز حرکت قهری و برخورد سخت نیز داشته است مانند اقدام انقلابی در تخریب مسجد ضرار^۵ و جهاد با مشرکان.^۶

در یک نگاه کلی باید گفت که انبیاء الهی و ائمه معصومین با توجه به شرایط و مصالح روزگار، حرکت انقلابی خود را به پیش می‌بردند. یکی مانند امام حسین (ع) رویه جهاد و حرکت نظامی را برگزید و یکی هم مانند امام حسن (ع) رویه آرام و صلح را. هم حرکت امام حسین انقلابی است و هم حرکت امام حسن. نکته دیگر اینکه سیاست رهبران بزرگ انقلابی در حرکت انقلابی، تدریجی است. یعنی در ابتدا حرکت آرام و تبلیغی است و در ادامه، حرکت عملی و اقدام سخت. به تعبیر شهید مطهری: «... مگر خود اسلام از نظر تاکتیک تدریجاً پیاده نشد؟ امروز نهضت مرحله نفی و انکار و درهم کوبیدن استبداد و استعمار را می‌پیماید. فردا که از این مرحله عبور کرد و به سازندگی و اثبات رسید، هدف‌های دیگرش را دنبال خواهد کرد» (مطهری، ۱۳۹۰: ۷۱).

به‌عنوان نمونه باید به حرکت انقلابی پیامبر اشاره کرد که ابتدا حرکت ایشان، تبلیغی و فرهنگی بود. در دوران حضور سیزده ساله در مکه، اقدام سخت از ایشان دیده نشد و فقط به تبلیغ و تبیین آیین اسلام و آموزه‌های الهی می‌پرداخت. بعد از این زمان، حرکت انقلابی پیامبر صبغه سخت و

۱. ر. ک: آیات ۹۱ الی ۹۳ سوره صافات و آیات ۵۸ الی ۶۷ سوره انبیاء

۲. صافات، ۹۹

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر. ک: علی اکبر عالمیان، «انقلابی‌گری از نگاه قرآن»، فصلنامه فرهنگ پویا، ش ۳۳،

ص ۶-۹

۴. حجر، ۹۴

۵. توبه، ۱۰۷

۶. آیات گوناگونی نظیر: توبه، ۷۳، بقره، ۱۹۰، انفال، ۶۵، حج، ۳۹

اقدام عملی پیدا کرد. به همین دلیل در دوران حضور در مدینه هم تشکیل حکومت داد و هم اینکه به جنگ و جهاد پرداخت و به گسترش حکومت خود ادامه داد و با فتح مکه و بعدها با غزوات و سرایای گوناگون این حرکت انقلابی خود را تتمیم و تکمیل کرد. هم حرکت اول پیامبر یعنی تبلیغ و دعوت مردم به سوی خداوند (جنبه نرم‌افزاری) حرکت انقلابی بود و هم حرکت دوم ایشان یعنی تشکیل حکومت و برخورد سخت با دشمنان (جنبه سخت‌افزاری) حرکت انقلابی به شمار می‌آمد.

دقیقاً به همین دلیل است که اکثر سوره‌های مکی در مورد مسائلی مانند دین، معاد، مرگ، اخلاقیات و مانند آن است و اکثر سوره‌های مدنی نیز در مورد جنگ و جهاد و مانند آن. انقلاب اسلامی ایران نیز به تاسی از حرکت انقلابی پیامبر همین رویه را پیگیری کرد. امام خمینی در همان شروع حرکتش، مستقیم بر دل حکومت نزد، بلکه ابتدا با اتخاذ سیاست تبلیغی و دعوت و نصیحت آغاز کرد و در ادامه به حرکت سخت و عملی روی آورد.

۲- علت انقلابی عمل نکردن دولت موقت از نگاه بازرگان

به خاطر نوع نگاه بازرگان به مسئله انقلابی‌گری است که او از انقلابی عمل نکردن خود و دولت موقت دفاع می‌کند. وی به این قضیه به صراحت اعتراف کرده و می‌گوید: «ایراد و خشمشان از این بود که چرا (دولت موقت) انقلابی نیستند و انقلابی عمل نمی‌کنند. بنده هم از این جهت ادعای خلافی نداشتم» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۶). با این همه در جایی دیگر این مدعا را رد کرده و آن را به حساب نقشه‌های شیطانی مخالفان خود می‌گذارد (بازرگان، ۱۳۹۷: ۸۷). او البته در یک فراز دیگر از دیدگاه‌هایش معتقد است که: «گمان کنم همه قبول داشته باشند که برای دولت موقت هم مبنا و خط، اسلام بوده است؛ ما هم طرفدار انقلاب بوده‌ایم و تحقق انقلاب به معنای آتم و تمام ابعادش و به ثمر رسیدن انقلاب؛ ما هم رهبری انقلاب را در شخص امام خمینی خیلی قبل از اینها و در آن مدت قبول داشتیم» (بازرگان، ۱۳۹۷: ۹۶).

بازرگان حرکت انقلابی مردم ایران تا سقوط رژیم پهلوی را صحیح و درست می‌داند اما ادامه آن را صحیح نمی‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۹۴). او سال‌های ابتدایی انقلاب را به‌مانند بمب اتمی هیروشیما ژاپن دارای جوش و خروش و پرخاش و حمله و تخریب می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۶). بازرگان در پاسخ به شبهه انقلابی‌گری نکردن دولتش می‌گوید: «از اولین

اختلافات و عمیق‌ترین انتقادات به دولت موقت از ناحیه جوانان و تازه‌واردشدگان، انقلابی نبودن و قاطعانه عمل نکردن یا گام‌به‌گام رفتن بود، درحالی‌که می‌بینیم فرمان نخست‌وزیری امام روال کاملاً مرحله‌به‌مرحله داشته، بوی چیزی که نمی‌داد سرعت و خشونت انقلابی یا رادیکالیسم انتقامی بود» (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۳۱۳).

بازرگان از حکم انتصاب خود به نخست‌وزیری از سوی امام برداشت نادرستی دارد. او معتقد است که: «آنچه در این فرمان نیامده و خواسته نشده و عدم اشاره به آنها معنی‌دار می‌باشد عبارت است از: انقلابی عمل کردن به معنای قاطعیت و خصومت یا برنامه تضاد و طرد و تخریب، تبلیغ اسلام و اجرای شریعت به‌عنوان برنامه حکومت، صدور انقلاب و درافتادن با کفر و استکبار جهانی، نجات مستضعفین جهان و کفرستیزی» (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۳۰۱).

بازرگان برای تأیید مدعای خود به یکی از سخنان امام اشاره می‌کند که در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۵۹ ایراد شده بود. ایشان در بخش‌هایی از آن سخنرانی گفته بودند که: «من هر روزی که از این انقلاب می‌گذرد بیشتر توجه به این معنی پیدا می‌کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم... همان‌طور که می‌دانید ریختند در خیابان‌ها و این جرثومه فساد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند. وقتی که امر به دست ماها افتاد هیچ‌کدام انقلابی عمل نکردیم... ما با بی‌تجربگی این انقلاب را ایجاد کردیم... از اول باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد (انتخاب می‌کردیم)... آن وقت فردی را نداشتیم که بتوانیم... انتخاب شد و خطا شد...» (بازرگان این سخنان امام را بداء یا اعتراف به اشتباه می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۳۰۱).

وی همچنین می‌افزاید: «مکرر می‌گفتم که مأموریت دولت موقت آن‌طور که رهبر انقلاب با صراحت تام و برنامه مشخص تعیین کرده‌اند، انتقال است نه انقلاب» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۶). او درعین حال مدعی می‌شود که «آن‌قدر آتش انقلاب همراه با انتقام در تازه‌واردان انقلاب اسلامی تیز بود که نظریات ما را لجاجت و سوءنیت می‌گرفتند و حرف ساده سرراست و حسابی ما به خرجشان نمی‌رفت..... منطق و روحیه آنها غیر از این بود. مرحله اول را تنها در اخراج شاه از ایران نمی‌دیدند بلکه خواهان تداوم انقلاب به معنای واژگونی قهرآمیز همه آثار و افراد آن نظام و بانیان و پشتیبانانش بودند» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

بازرگان با تقبیح آنچه به‌زعم خود مرادف با انقلابی‌گری است، دولت خود را یک دولت به تمام معنا منظم، قانونمدار و اصلاحی به معنای واقعی می‌داند که قائل به مواردی نظیر آزادی حضور و

حیات دادن به مخالفین و قلع و قمع نکردن بی حساب و کتاب گروه‌های چپ و چپ‌نما می‌باشد؛ همان مسئله‌ای که انقلابیون این مواضع را نشانه قاطع نبودن دولت موقت می‌دانستند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

او دولت موقت را دولتی می‌داند که اولاً؛ مقید بود تا قوانین و مقررات جدیدی جایگزین نشده، قوانین قبلی را (البته منهای سلطنت) موقتاً محترم بشمارد و ثانیاً؛ اعتقاد داشت که نظامات جدید و برنامه‌های انقلاب باید با مشورت و مطالعه لازم تنظیم شده پس از تصویب شورای انقلاب یا آراء ملت متدرجاً برحسب ضرورت و امکانات، یعنی در سایه قانون و قدرت، پیاده شود (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

بازرگان معتقد است که این اقدامات او از سوی انقلابی‌های افراطی، «گام‌به‌گام» نام گرفت (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۳). همان‌گونه که به‌زعم او رعایت ادب متعارف دیپلماسی با کشورهای دیگر که هیچ‌گونه تصمیم و صحبت بر قطع روابط با آنها عنوان نگردیده بود، حمل بر سازش‌کاری شد؛ حفظ و حمایت همراه با تقویت و تقلیل و پاک‌سازی صحیح دستگاه عظیم دولتی، در چشم ابقای دستگاه طاغوتی و عدم درک یا مخالفت با انقلاب محسوب شد؛ مقدم شمردن تحرک چرخ‌های حیاتی و تولیدی کشور بر تسویه حساب‌های انتقامی، حرکت لیبرالیستی و سرمایه‌داری نام گرفت و دفاع از تمدن و تحصیلات و تخصص هم یک نوع غرب‌زدگی و مخالفت با روحانیت تلقی گردید (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۴).

۳- دولت موقت؛ دولت انتظامی نه دولت انقلابی

ادعای بازرگان در مورد دولت خود جالب است. او شیوه دولت موقت را نه انقلابی بلکه شیوه انتظامی می‌داند! اما فرق این دو شیوه باهم چیست؟ به‌زعم او، «شیوه انتظامی» یعنی شیوه و رویه‌ای که نظم و پیش‌بینی و اصول علمی و عقلی در آن رعایت می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۱ (الف): ۱۹۰). اما در شیوه انقلابی قهراً زمان و حساب و نظام یا تدبیر و تدارک و تدریج برای آنها مطرح نمی‌شود. چه بسا عملی را بی‌مطالعه طلب می‌نمایند یا جنبه عملی آن را نیز توأم می‌خواهند، بدون آنکه به امکان یا عواقب کار توجه نمایند. این ترتیب منطقی و عملاً و به‌رغم قدرت و اعجازی که در اجتماع و اراده و ایمان وجود دارد، احتمال شکست یا زیان و هلاکت نیز می‌رود. شیوه انقلابی حالت استثنائی و پدیده فوق‌تعالی را دارد (بازرگان، ۱۳۹۱ (الف): ۱۹۰-).

۱۹۱). او شیوه دولت خود را انتظامی می‌داند و به آن نیز افتخار می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۹۶). او نقطه شروع اختلاف بین خود و مخالفین خود به‌ویژه نیروهای انقلابی را در همین دو شیوه می‌داند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۱۹۶-۱۹۷). او نیروهای انقلابی و پیرو خط امام یا به تعبیر خودش «گردانندگان حرکت دوم انقلاب» را متخصص در تهمت زدن به دیگران می‌داند که عامدانه به این کار دست زده و موافقین را به مخالف تبدیل می‌کنند (بازرگان، ۱۳۹۱(الف): ۳۵۲)

جمع‌بندی یافته‌ها

در یک جمع‌بندی کلی از حرکت سیاسی و نوع نگاه بازرگان به مسئله انقلاب و انقلابی‌گری، باید به پنج نکته مهم اشاره کنیم:

نکته اول اینکه نوع نگاه بازرگان به مبارزات، نگاهی تحول‌جویانه و به‌اصطلاح انقلابی نبود. او قائل به سرنگونی شاه نبود بلکه معتقد به سلطنت او بود و نه حکومت او. دقیقاً مثل آنچه در نظام سلطنتی انگلستان، اسپانیا، ژاپن و.... وجود دارد. اصلاً باید گفت که او اعتقادی به سقوط شاه نداشت و از بین رفت نظام سلطنتی را بعید می‌دانست. بازرگان اساساً فردی میانه‌رو و محتاط بود و از بینش و توانایی انقلابی برخوردار نبود اما در مقابل، امام نشان داده بود که فردی قاطع و انقلابی می‌باشد (مدنی، ۱۳۶۹: ۴۷۲/۲).

حجت‌الاسلام جعفر شجونی به دیدار خود با بازرگان اشاره کرده و در این مورد می‌گوید: «یک‌مرتبه آقای بازرگان گفت من با این کارها موافق نیستم، من طور دیگر فکر می‌کنم، گفتم آقا چطور فکر می‌کنی؟ گفت «یکی به نوفل‌لوشاتو برود و به آن آقای که به درخت سیب تکیه داده بگوید تو تا کجا می‌خواهی پیش بروی، ما رژیم را با گوشت و استخوانمان لمس می‌کنیم. آن آقا در پاریس نشسته و می‌گوید شاه برود، مگر شاه می‌رود؟ شاه اگر برود باید آمریکا برود، مگر آمریکا می‌رود؟ شاه بماند سلطنت کند نه حکومت» (entekhab.ir مورخ ۱۳۹۳: ۷ و ۸ بهمن).

نکته دوم به عدم درک درست بازرگان از شرایط انقلابی جامعه برمی‌گردد. به باور حبیب‌الله پیمان، ضعف عمده دولت موقت بینشی و ساختاری بود. بینش و ایدئولوژی آنها قدرت تجزیه و تحلیل و درک درست واقعیت‌ها و شرایط انقلاب را نداشت، در نتیجه با واقعیت‌ها بیگانه

ماند. از نظر ساختاری هم دارای برنامه‌ای برای عمل و تغییر شرایط و کنترل حوادث نبود و نتوانست وحدت نیروهای انقلاب را برای حفظ دستاورد آزادی و حکومت ملی مردمی تأمین کند (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۳۴). پیمان همچنین در نقد عملکرد مهندس بازرگان می‌گوید: «دولت موقت نه تنها فضای جهانی را درک نکرد، که فضای پیروزی انقلاب را نیز درک نکرد لذا تحلیل و پاسخی هم برایش نداشت. ماهیت فکری و اجتماعی دولت موقت اجازه نمی‌داد که درک درستی از ماهیت تحول جامعه ایران داشته باشد. گرایش لیبرالی آقای مهندس بازرگان باعث می‌شد که فکر کند نمونه مطلوب نظام کشورداری همان دموکراسی‌های لیبرال غربی است. قشرهای اجتماعی که در عرصه انقلاب حضور فعال داشتند، اصلاً با این گرایش‌های لیبرالی سنخیتی نداشتند» (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۲۷). به باور او این بینش لیبرالی موجب شد تا نتواند با نیروهای انقلاب همسویی نشان دهند (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۳۳). او نه تنها با نیروهای انقلابی همسویی نمی‌کرد بلکه به تعبیر عزت‌الله سبحانی، با شرایط انقلابی جامعه نیز مقابله می‌کرد (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۲۰۲).

نکته سوم نگاه بازرگان به خود انقلاب است که آن را نهایتاً یک اصلاح و رفرم می‌پنداشت که دایره آن تنها شامل ایران است و نه فراتر. شهید دکتر بهشتی با اشاره به این رویکرد بازرگان به انقلاب می‌گوید: «ما معتقد بودیم انقلاب ایران، یک انقلاب جهانی است، لااقل در جهان اسلام و در دنیای مستضعفین. شاید بازرگان خیلی این‌طورها نمی‌اندیشیدند» (روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸: ۳). بر همین اساس او به اندیشه صدور انقلاب نیز ایراد می‌گرفت. به تعبیر سبحانی مشکل بزرگ بازرگان این بود که انقلاب را درک نکرده بود (سحابی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). انتقادات بعدی او به انقلاب که پیشتر گفته شد نیز ناشی از همین نوع نگاه بود. بسیاری از دوستان او نیز بعدها این نگاه انتقادی را نسبت به انقلاب داشته و حتی برخی از آنان از اقدامات انقلابی خود ابراز ندامت می‌کردند. به‌عنوان نمونه عزت‌الله سبحانی با این ادعا که مردم به‌طور آگاهانه در انقلاب شرکت نکردند بلکه این انقلاب، انقلاب نخبگان بود، اعتراف می‌کند که در انقلاب اشتباه کرده است و باید به شاه اجازه داده می‌شد تا به اصلاحاتش ادامه دهد (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۲۱۸).

نکته چهارم، نوع مدیریت بازرگان بود که این مسئله خود نشأت‌یافته از نوع نگاهش به مسئله انقلاب و انقلابی‌گری بود. او یک تکنوکرات بود و با نگاه تکنوکراسی به مدیریت می‌نگریست.

به تعبیر شهید بهشتی: «ما معتقد بودیم که در داخل مملکت، باید خارج از این فرم بوروکراتیک عمل کرد. آقای مهندس بازرگان عجیب تکیه داشتند روی اینکه همه کارها را ببرند توی همین کانال‌ها بوروکراتیک و به همین دلیل، خیلی ضربه خوردیم» (روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸: ۳). این مسئله موجب می‌شد که نه تنها انقلابیون عملکرد چندماهه دولت موقت را قبول نداشته باشند بلکه نزدیکان او نیز زبان به انتقاد از رویه او بگشایند. شجونی در این باره می‌گوید: «حتی اطرافیان مهندس بازرگان مثل محمد شانه‌چی که خیلی هم به آخوندها فحش می‌داد یک روز دیدم در حال فحش دادن به دولت موقت است، می‌گفت باز آخوندها شرف دارند به اینها... گفتم شانه‌چی تو که مخالف آخوندها بودی، گفتم نه آقا من پیغام آقای طالقانی را بردم دولت موقت، آنها اعتنا نکردند» (entekhab.ir مورخ ۱۳۹۳: ۷ و ۸ بهمن).

نکته پنجم خصوصیات رفتاری خود بازرگان بود. او در مدیریت خود دچار نوعی لجاجت بود و این بر ضعف دولت او می‌افزود. به تعبیر سبحانی «بازرگان یک آدم لجوج بود. یعنی وقتی می‌دید که شما دارید چپ می‌زنید او برعکس راست می‌زد. خصلت لجاجت در او بود. برعکس، راه راست می‌رفت ولی در دلش راست نبود» (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۷۰). او در این مورد به مثالی نیز روی می‌آورد. به گفته سبحانی، بازرگان به مال دنیا و لباس دنیا کاملاً بی‌اعتنا بود اما از لچ بچه‌ها وقتی برای سخنرانی می‌رفت کراوات می‌زد (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۷۴). اگر هم درک می‌کرد قصد لجاجت و مقابله با آن را داشت. به اعتقاد سبحانی این لجاجت او روش حکیمانه‌ای نبود. (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۲: ۲۰۸) بر همین اساس نیز در مواضع سیاسی خود پافشاری کرده و کوتاه نمی‌آمد. مثلاً شجونی می‌گوید: «ما می‌گفتیم مجلس شورای «اسلامی» باشد، آقای بازرگان با این کلمه اسلامی مخالفت کرد و حتی از مجلس بیرون رفت» (entekhab.ir مورخ ۱۳۹۳: ۷ و ۸ بهمن). گاهی اوقات این لجبازی‌ها موجب خسارت‌هایی به منافع ملی نیز می‌شد. به‌عنوان نمونه باید به حادثه کردستان در همان اوایل استقرار دولت موقت اشاره کرد که زمانی که حکومت مرکزی سعی در کنترل مناطق کردنشین داشت، با مخالفت دولت روبرو شد. شهید بهشتی می‌گوید: «این اختلاف‌نظرها را داشتیم و از همین قبیل اختلاف‌نظرها در مورد مسائل کردستان داشتیم که متأسفانه در اینجا باید بگویم خسارت، خیلی زیاد بوده است. ما که در فروردین‌ماه، از سفر کردستان برگشتیم، ایده‌هایی در مورد کردستان داشتیم که گفتیم اگر دولت عمل کرده بود، گمان می‌کنم که حالا اینجا نبودیم» (روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸: ۳).

با این همه اما این ایرادات نشانه سیاه و سفید دیدن ماجرا نیست. بازرگان به عنوان شخص بازرگان، انسانی متدین، مبارز، صادق و پاکدست بود. شهید بهشتی او را از دوستان خیلی قدیم و از برادرهای دوست‌داشتنی و برخوردار از درجه بالایی از صداقت و صمیمیت می‌دانست که از یاران و دوستان انقلاب بوده و خدمات و سهمی نیز در این انقلاب داشته است (entekhab.ir مورخ ۱۳۹۳: ۷ و ۸ بهمن) جعفر شجونی نیز که یکی از منتقدین تند دولت موقت و بازرگان بود، در مورد شخصیت وی از انس زیاد با مهندس بازرگان گفته و برای او احترام زیادی قائل می‌شود. او بازرگان را مردی مبارز و مذهبی می‌داند که نماز و قرآنش قطع نمی‌شد. شجونی برخلاف برخی افراد که بازرگان را خائن و آمریکایی می‌دانستند، می‌گوید که: «نمی‌شود به بازرگان با آن ریش سفید و یک عمر مبارزه، لفظ خیانت را چسباند. او آمریکایی هم نبود ولی ضعف داشت» (entekhab.ir مورخ ۱۳۹۳: ۷ و ۸ بهمن). نهایت چیزی که در مورد بازرگان می‌توان گفت این است که او انقلابی فکر نمی‌کرد و خط فکری او با امام و قاطبه ملت انقلابی، همخوان نبود. به تعبیر شهید بهشتی: «خط فکریشان را در مورد سیاست انقلابی ایران از اول هم خطی که با ما بخواند، نمی‌یافتم و ما از همان اول حس می‌کردیم که نقطه نظرهامان مختلف است» (روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸: ۳). بازرگان نه تنها نگاه خاص خودش را داشت بلکه به تعبیر سبحانی درک درستی هم از فضای انقلابی نداشت. این عدم درک درست موجب می‌شد تا نتواند- و یا شاید نخواهد- موضع درستی را در سال‌های ابتدایی انقلاب اتخاذ کند. آقای هاشمی رفسنجانی از گفت‌وگوهای مفصل خود با مهندس بازرگان سخن می‌گوید که در این گفت‌وگوها به بازرگان تأکید کرده بود تا با بنی‌صدر بر ضد نظام به‌ویژه دولت رجایی فعالیت نکند و بازرگان جواب درستی در این مورد نداده بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸: ۷۱ و ۸۷). رفسنجانی همچنین در خاطرات ۲۳ مهر ۱۳۶۰ خود می‌نویسد: «جلسه‌ای طولانی با سران نهضت آزادی داشتیم. از اینکه از سوی حزب‌اللهی‌ها و رسانه‌های جمعی تحت فشارند، شکایت داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. گفتم اگر موضع صریح در مقابل ضدانقلاب بگیرند، وضع ممکن است بهتر شود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸: ۳۲۹).

این قابل‌انکار نیست که در پاره‌ای از مواقع، برخی ناملایمت‌ها به بازرگان تحمیل می‌شد و برخی از تندروی‌ها بر ضد او اعمال می‌کرد که کار شایسته‌ای نبود. اما باید خود بازرگان را نیز در وقوع این نامهربانی‌ها تا حدودی مقصر دانست.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این تحقیق بدان اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت که مسئله انقلاب از نگاه مهندس بازرگان را باید از دو منظر موردبررسی قرار داد. نگاه اول بحث مبارزات بازرگان است که بر اساس اسناد و شواهد تاریخی می‌توان بر مبارز بودن در دوره حکومت محمدرضا شاه صحنه گذاشت. او البته انقلاب اسلامی را دارای مزایا و کاستی‌هایی می‌دانست. نگاه دوم نیز به مسئله چگونه انقلابی عمل کردن و یا به تعبیری، انقلابی‌گری او برمی‌گشت. در این مورد می‌توان کنش‌های مهندس بازرگان را بحث‌برانگیزتر از نگاه اول دانست. او معتقد به ادامه حکومت پهلوی بود و به عبارتی، قائل به سلطنت شاه بود و نه حکومت او. اصولاً از نگاه بازرگان، معنا و مفهوم انقلابی‌گری مترادف با مفاهیمی نظیر: خشونت‌ورزی، انحصارگرایی مکتبی، بی‌نظمی و هرج‌ومرج در امور و همین‌طور عدم تعقل و تأمل و شتابزدگی در تصمیم‌گیری بود و این برخلاف آن مفهومی است که در تفکر امام و سایر انقلابیون وجود داشت. نتیجه آنکه همین نوع نگاه در رفتار سیاسی بازرگان نیز تأثیر می‌گذاشت و موجب می‌شد تا در عمل‌گرایی نیز دچار تناقضاتی شود. نگاه بازرگان به مبارزات، نگاهی تحول‌جویانه و به اصطلاح انقلابی نبود و همین مسئله موجب شد تا نه تنها دایره انقلاب را تنها به محدوده ایران تنزل می‌داد بلکه آن را در حد یک اصلاح جزئی می‌دانست و در نتیجه فهم جداگانه‌ای نسبت به مفهوم و کارکردهای انقلاب پیدا کرد و همین مسئله موجب انزوای بیش‌ازپیش او از بدنه انقلابیون و رهبران آن شد.

کتابنامه

الف) اسناد

آیت‌الله سید محمود طالقانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.
جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

ب) کتاب

قرآن کریم

- استمپل، جان، دی، **درون انقلاب ایران**، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: موسسه رسا، ۱۳۷۷.
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۶**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، بی تا (الف).
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۸**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، بی تا (ب).
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۲۲**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، بی تا (ج).
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۲۳**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۹۱ (الف).
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۲۴**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۹۱ (ب).
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۲۵**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۸۹.
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۳۰**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۹۵.
- بازرگان، مهدی، **مجموعه آثار ۳۱**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۹۷.
- بشیریه، حسین، **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران: پگاه، ۱۳۷۴.
- جانسون، چالمرز، **تحول انقلابی**، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- جمعی از نویسندگان؛ **انقلاب اسلامی**، قم: معارف، ۱۳۷۹، چ ۸.
- خمینی، سید روح‌الله، **صحیفه امام**، ج ۵ و ۱۵، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- خواجه سروی، غلامرضا، **خاطرات آیت الله مهدوی کنی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- سحابی، عزت‌الله، **ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادی ملی**، تهران: گام نو، ۱۳۸۴، چ ۳.
- صفاریان، غلامعلی؛ و معتمد دزفولی، فرامرز؛ **سقوط دولت بازرگان**، تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۲.
- فوران، جان، **مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)**، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- گروه پژوهش‌های تاریخی انتشارات قلم، **بازرگان در اندیشه فرهیختگان**، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۹۳.
- لامعی، شعبانعلی، **حکایت‌هایی از زندگی مهندس بازرگان**، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۶.
- مدنی، جلال‌الدین، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، چ ۳.
- مردی‌ها، مرتضی، **مبانی نقد فکر سیاسی**، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار ۲۴**، تهران: صدرا، ۱۳۹۰، چ ۵.
- نجاتی، غلامرضا، **خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت (مصاحبه بامهدی بازرگان)**، ج ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.

بررسی و نقد انقلابی‌گری در اندیشه و رفتار مهندس مهدی بازرگان..... ۲۲۵

هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، عبور از بحران (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰)، تهران: دفتر نشر فرهنگ انقلاب، ۱۳۷۸.

یوسفی اشکوری، حسن، در تکاپوی آزادی، ج ۱، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۶.

ج) مقاله

عالمیان، علی‌اکبر، «انقلابی‌گری از نگاه قرآن»، فصلنامه فرهنگ پویا، ش ۳۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۴-۱۱.

د) روزنامه

روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸، ش ۱۶۰۱۶.